



چهره‌ها

## شهید بهشتی از نگاه مخالفان

**محمد رضا شفیعی:** در مرحله تحقیقات براساس صوتی که از رجوی شنیدم جمله‌ای داشت که می‌گفت ما با بهشتی نمی‌توانستیم کنار بیاییم و دلایل متعددی برای حذف داشتیم. ما با آخوندی که کیف دارد و لباس اتوکشیده تنش می‌کند، رمان می‌خواند... نمی‌توانیم کنار بیاییم و حذف اجباری بود. بهترین انتخاب ما برای بیان خصوصیات شهید بهشتی همین گونه بود. آنچه که فرار است از شخصیت او بدانیم این بود که او را از نگاه مخالفان ببینیم و بدانیم چرا ناگزیر از حذف شدند. از صحبت‌های این تهیه‌کننده سینما در نشست خبری «ضد»



## نیاز بود روی چهره بهشتی متمرکز باشیم

**امیرعباس ربیعی:** اینکه پروژه‌ای برای خود تعریف کرده باشم که درباره نفوذ باشد، این طور نیست. هر فیلم مضمون مرتبط با خود را می‌طلبد، در این فیلم هم چون مسأله، نفوذ و انفجار حزب بود، چنین پایان بندی انتخاب شد. نیاز بود روی چهره بهشتی متمرکز باشیم، چون حزب آخرین جایی بود که دکتر بهشتی رفت. اسلوموشن قسمت ورود دکتر بهشتی هم منطق سینمایی داشت، چون زاویه نگاه سعید است که با احساس خاصی نظاره کرد دکتر بهشتی است چون او تنها کسی بود که می‌دانست در ادامه چه اتفاقی رخ خواهد داد. از صحبت‌های این کارگردان سینما در نشست خبری «ضد»

به بهانه حضور مصطفی زمانی در «بدون قرار قبلی»

## شمایل جوان عاصی

چهره روز



مدحده واطغی‌پور روزنامه‌نگار

نقش کوتاهی که در «بدون قرار قبلی» (بهرروز شعبی) بازی کرده و این روزها در چهلمین جشنواره فیلم فجر دیده می‌شود. نقش جوانی که کفشدار حرم امام رضا (ع) است و روحیه‌ای معنوی و مذهبی دارد. بازی زمانی توأم با وقار و آرامشی است که در این شخصیت بواسطه سیر و سلوکی که دارد، درونی شده است.

از میان بازیگران جوان و خوش سیمایی که در دهه هشتاد به سینما رفت، سه نقش متفاوت در «آل» (بهرام بهرامیان)، «کیفر» (حسن فتحی) و «بدرود بغداد» (مهدی نادری) بازی کرد. از میان این سه فیلم، «کیفر» بیشتر دیده شد، نقش آفرینی خوب زمانی در «بدرود بغداد» به دلیل اکران نشدن فیلم به چشم نیامد و «آل» مورد توجه قرار نگرفت. با این همه، سینمای ایران صاحب بازیگری شده بود که در عین داشتن جذابیت‌های ظاهری و فیزیکی مناسب برای بازی در نقش جوان اول، صدای خوب و میمیک مناسب و انعطاف و استعداد داشت.

زمانی بواسطه چهره‌اش، مناسب ایفای نقش جوانان عاصی و تلخ است. تصویری که در نقش جوان خیابان جنوبی» (سیاوش اسعدی) به بهترین شکل آن را تثبیت کرد. نقش جهان در سریال «تهنگ آبی» (فریدون جیرانی) یکی دیگر از نقاط عطف کارنامه اوست. در قالب نقش خرده‌حلافکاری جذاب که ظاهری متفاوت و عشقی جنون‌آمیز به آناییتا (لیلا حاتم‌می) داشت، نوید در «کرگدن» (کیارش اسدی‌زاده) بواسطه تلخی و تنهایی در این دسته جای می‌گیرد. مصطفی زمانی با صدای خوب و نگاه‌های عمیق، یأس و شکستی که در این شخصیت‌ها به آخر خط رسیده وجود دارد عینیت می‌بخشد. اما متأسفانه نه «جیب بر خیابان جنوبی» در زمان خود دیده شد و تماشاگر بالایی داشت که جنس بازی زمانی در آن دیده شود. وضعیت «کرگدن» هم، بهتر از سریال فریدون جیرانی نبود و این سریال در شبکه نمایش خانگی مخاطب بالایی پیدا نکرد.

مصطفی زمانی در جوانی وارد سینما شد، نسبتی با سینما نداشت، اما خیلی زود و زیر نگاه مناسب سینما را دریافت. تعداد فیلم‌های ضعیف کارنامه او به‌عنوان بازیگری جوان که می‌توانست وسوسه پیشنهادهای مالی عجیب و غریب شود، بسیار اندک است. فیلم‌های ضعیف کارنامه او (یک روز بخصوص یا ماهی سیاه کوچولو) آثاری هستند که زمانی تلاش کرده در آنها ضعف فیلمنامه یا شعاری بودن اثر را با بازی‌اش جبران کند. او مثل اغلب بازیگرهای حرفه‌ای، با نقش‌های خوبش که کم نیستند در خاطره‌ها مانده، از جمله



هادی محقق از کارگردانی فیلم «درب» به «ایران» گفته است

## ایستایی اخلاق در برابر موقعیت‌ها

کپ‌روز

سپیده شریعت رضوی خبرنگار

هادی محقق کارگردان فیلم سینمایی «درب» می‌گوید این اثر درباره ضرورت اخلاق و میزان ایستایی آدم‌ها در برابر موقعیت‌هایی است که در زندگی با آن رویه‌رو می‌شوند؛ در حقیقت زندگی بدون اخلاق خرابه‌ای بیش نیست. «درب» روایتگر مأمور اداره برقی است که قرار است برق خانه‌ای تک و دور افتاده را وصل کند. جمله‌ای که در ابتدا خوانندگانی داستان یک خطی فیلم سینمایی «درب» جدیدترین ساخته هادی محقق به تهیه‌کنندگی رضا محقق است که در بخش سودای سیمرخ چهلمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این اثر که در استان کهگیلویه و بویراحمد و در روستاهای اطراف شهر سوق فیلمبرداری شده است، قصد دارد از انسانیت بگوید و به نوعی مخاطب به مؤلفه‌های سینمای شاعرانه رویه‌روست. هادی محقق در این اثر نیز همانند دیگر آثارش از بازیگر چهره یا شناخته شده استفاده نکرده است و همه نقش آفرینان پروژه نابازیگر هستند که این اتفاق قطعاً چالشی برای کارگردان به همراه داشته تا جایی که خود بازی در نقش کاراکتر اصلی قصه را بر عهده گرفته است. آنچه که در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با هادی محقق است.

## «درب» به چه معناست؟

«درب» به معنای زمین نقش سفت است و این نام یک قرابت معنایی با اراده کاراکترهای فیلم دارد.

**مضمون جدیدترین ساخته شما چیست و چه تفاوت با شباهتی با آثار قبلی شما دارد؟**

«درب» درباره ضرورت اخلاق و میزان ایستایی آدم‌ها در برابر موقعیت‌هایی است که در زندگی با آن رویه‌رو می‌شوند، چراکه زندگی بدون اخلاق خرابه‌ای بیش نیست؛ از سوی دیگر این فیلم بی‌شباهت به دیگر آثارم نیست و حداقل من تفاوتی بین آنها نمی‌بینم.

**ایده این فیلم چگونه به ذهن شما رسید؟**

من دوستی دارم که رئیس اداره برق یک منطقه در شهرستان دهدشت است و الهام اصلی برای پرداختن به موضوع فیلم به آشنایی من با او و کارش برمی‌گردد.

**شما در آثاری که تاکنون خلق کرده‌اید از بازیگر چهره یا شناخته شده بهره نبرده‌اید و در «درب» هم این اتفاق رخ داده است. چگونه به این ترکیب بازیگران رسیده‌اید؟**

همه نقش آفرینان «درب» نابازیگر هستند و سرنوشت این‌گونه ما را در دایره تقدیر خود قرار داد. من در حقیقت برای بازی گرفتن

از این دوستان تلاش کردم احساساتشان را که ضرورت نقش و لحظه بود، بیدار کنم البته باید بگویم خودشان نیز باهوش بودند و از عهده نقش‌ها برآمدند.

**شاید در کمتر اثر سینمایی کارگردان خود ایفاگر نقش اصلی قصه هم باشد. با چه چالش‌هایی در این مسیر رویه‌رو بوده‌اید؟**

بزرگ‌ترین چالش من این بود که لحظه را باور کنم، حس لحظه را به وجود آورم و بعد باور و احساس را به مخاطبان منتقل کنم.

**آیا به سراغ گزینه‌های دیگر برای ایفای نقش اصلی رفتید؟**

بله. از افرادی برای بازی در نقش مأمور اداره برق که من از ایفا می‌کنم، تست گرفته شده تا اما از عهده آن برنیامدند، چراکه نقش جزئیات زیادی داشت که تنها خود من از آن آگاهی داشتم. از سوی دیگر چون برای فیلمبرداری «درب» به زمین سبز نیاز داشتیم و فصل سرعت در حال تغییر بود یعنی زمین از حالت سبز بودن به زردی می‌رفت، ناچار شدیم دست به انتخاب بزنیم.

**در اخباری که از این پروژه به صورت رسمی منتشر شده است، به این مورد اشاره شده است که «درب» تنها نماینده سینمای هنری ایران**

## در چهلمین جشنواره فیلم فجر است.

**ویژگی‌های این فیلم چیست که جزو آثار سینمای هنری محسوب می‌شود؟**

البته من به‌عنوان کارگردان جرأت نمی‌کنم این ادعا را داشته باشم و می‌گویم این ادعا باید از بیرون تعبیر شود که آیا «درب» نماینده سینمای هنری هست یا نه. در حقیقت تعریفی است که از خارج باید به اثر داده شود و شاید خودخواهی باشد اگر من بخواهم این صحبت را تأیید کنم اما شاید بتوان بر اساس ایستا بودن دوربین در فیلم، در رنگ در لحظه، میزان مفاهیمی

که در «درب» وجود دارد و احساساتی که به تصویر کشیده می‌شود، این لقب را به اثر داد.

**جدیدترین ساخته شما مانند دیگر آثارتان حال و هوای متفاوتی نسبت به فیلم‌های سینمای بدنه و در حال حاضر نسبت به دیگر آثاری که در جشنواره فیلم فجر حضور دارند، دارد. آیا تمهیداتی در فیلم برای جذب مخاطب اندیشیده‌اید؟**

من معتقدم کار من فقط فیلم ساختن است و جذب مخاطب نیست شاید برای جذب مخاطب عناصر دیگری مانند تبلیغات که خارج از حوزه تخصصی من است و صلاحیتی در این زمینه ندارم، لازم باشد، اما باید بگویم اساساً این گونه از سینما که واژه هنری بدان اطلاق می‌شود، مخاطب خاص خود را دارد و شاید به مرور زمان مخاطب خود را پیدا کند. از سوی دیگر مخاطبان برخی از فیلم‌ها مقطعی و مخاطبان برخی دیگر از فیلم‌ها دامنه‌دار است که امیدوارم فیلم من جزو دسته دوم باشد.

**چرا اکثر آثاری که شما دست به خلق آن می‌زنید، در زادگاهتان روایت می‌شود؟**

که قصد تعریف آن را دارم که بیشتر در

متوجه حس خلبان شدم و دیدم که با همه وجود اشک می‌ریزد. وقتی حال دگرگون او را دیدم گروه را متوقف کردم و او بازیگر فیلم در نقش یکی از خلبان‌ها را بازی می‌کرد، کسی درباره همسرش فیلم بسازد اما بعد از آن می‌گفت ما در هر پرواز که به آسمان می‌رفتم هزار بار می‌مردیم و زنده می‌شدیم. تعریف می‌کرد که یکی از هم‌زمانش می‌گفت وقتی من مردم هر چی از من باقی ماند، در کشورم خاک کنی تا روجم از ایران محافظت کند.

**حیدری:** اتفاقاً در یک بخش از فیلم یک دیالوگ داریم که می‌گوید در دل جنگ وقتی همه چیز به هم ریخته بود یک مادری بچه سوخته خودش را گذاشت در آغوش من و گفت بی‌غیرت. و بعد می‌گوید من غیر از جنگیدن چه کاری می‌توانستم بکنم و آن صدایی که در فیلم شنیده می‌شود صدای همان خلبان است.

**در طول تحقیقات خود، آنچه به دست**

## برشی از جنگ به روایت خلبان‌های اف-۱۴

ادامه از صفحه ۱۳

**فکر می‌کردید که در بستر قصه‌ای متعلق به بخش کمتر دیده شده از جنگ توانسته‌اید تاریخ معاصر را از نگاه یک خلبان روایت کنید؟**

**حیدری:** به نظر من روایت‌های شخصی از تاریخ معاصر رسمی نیست. بخصوص وقتی درباره حضور این قشر از افراد در جنگ صحبت می‌شود، هیچ فیلم یا کتابی وجود ندارد.

**این کمبود ضعف تاریخ شفاهی در حوزه پرداخت به خاطرات شهدا است؟**

**حیدری:** بله دقیقاً. **علی محمدی:** در مرحله تحقیق وقتی سراغ خلبان‌ها می‌رفتم، در ساعات اولیه گفت‌وگو همه چیز را نمی‌گفتند اما از یک جایی به بعد انگار مطمئن می‌شدند تیم ما از زاویه دیگر به موضوع حضور خلبان در جنگ نگاه می‌کند و در نهایت اعتماد می‌کردند و نکاتی را مطرح می‌کردند که در شرایط غیر از اعتماد حرفی از آن نمی‌زدند

و این ارتباط ادامه پیدا کرد تا اینکه بسیاری از نکات را در طول زمان به ما گفتند. حتی همسر شهید عباس دوران حاضر نبود عکس به ما بدهد. او می‌گفت که نمی‌خواهد کسی درباره همسرش فیلم بسازد اما بعد از آن می‌گفت ما در هر پرواز که به آسمان می‌رفتم هزار بار می‌مردیم و زنده می‌شدیم. تعریف می‌کرد که یکی از هم‌زمانش می‌گفت وقتی من مردم هر چی از من باقی ماند، در کشورم خاک کنی تا روجم از ایران محافظت کند.

**حیدری:** اتفاقاً در یک بخش از فیلم یک دیالوگ داریم که می‌گوید در دل جنگ وقتی همه چیز به هم ریخته بود یک مادری بچه سوخته خودش را گذاشت در آغوش من و گفت بی‌غیرت. و بعد می‌گوید من غیر از جنگیدن چه کاری می‌توانستم بکنم و آن صدایی که در فیلم شنیده می‌شود صدای همان خلبان است.

**در طول تحقیقات خود، آنچه به دست**

این حرفه را در نظر بگیریم که اگر یک خلبان از آن نسل یا خلبان آگاه به این نوع پرواز، فیلم را دیدد با یک اثر دانسته و تخصصی مواجه شود.

**حیدری:** لحظه به لحظه این فیلم را خود ما تحقیق کردیم. از لحظه اول که ایده شکل گرفت و فکر کردیم که چقدر ایده جذاب است، نام بیژن عاصم را در گوگل جست‌وجو کردیم و متوجه شدیم هیچ اسمی از او نیست و هیچ نشانی یافت نمی‌شود. یا اینکه هیچ اطلاعاتی درباره اتاق کنترل جت شکاری نیست حتی تا مدت‌ها نمی‌دانستیم این اتاق پلکانی است. تا مدت‌ها نمی‌دانستیم این اتاق تاریک است یا حتی دمای خاص دارد. لحظه به لحظه جست‌وجو کردیم تا فیلم ساخته شد.

**علی محمدی:** خلبانی را دعوت کردیم او با رسم شکل به ما توضیح داد تا اینکه فضا را پیدا کردیم.

**حیدری:** در ساخت این فیلم سعی کردیم تمام تخصص‌های لازم مربوط به

که در «درب» وجود دارد و احساساتی که به تصویر کشیده می‌شود، این لقب را به اثر داد.

**جدیدترین ساخته شما مانند دیگر آثارتان حال و هوای متفاوتی نسبت به فیلم‌های سینمای بدنه و در حال حاضر نسبت به دیگر آثاری که در جشنواره فیلم فجر حضور دارند، دارد. آیا تمهیداتی در فیلم برای جذب مخاطب اندیشیده‌اید؟**

من معتقدم کار من فقط فیلم ساختن است و جذب مخاطب نیست شاید برای جذب مخاطب عناصر دیگری مانند تبلیغات که خارج از حوزه تخصصی من است و صلاحیتی در این زمینه ندارم، لازم باشد، اما باید بگویم اساساً این گونه از سینما که واژه هنری بدان اطلاق می‌شود، مخاطب خاص خود را دارد و شاید به مرور زمان مخاطب خود را پیدا کند. از سوی دیگر مخاطبان برخی از فیلم‌ها مقطعی و مخاطبان برخی دیگر از فیلم‌ها دامنه‌دار است که امیدوارم فیلم من جزو دسته دوم باشد.

**چرا اکثر آثاری که شما دست به خلق آن می‌زنید، در زادگاهتان روایت می‌شود؟**

که قصد تعریف آن را دارم که بیشتر در

متوجه حس خلبان شدم و دیدم که با همه وجود اشک می‌ریزد. وقتی حال دگرگون او را دیدم گروه را متوقف کردم و او بازیگر فیلم در نقش یکی از خلبان‌ها را بازی می‌کرد، کسی درباره همسرش فیلم بسازد اما بعد از آن می‌گفت ما در هر پرواز که به آسمان می‌رفتم هزار بار می‌مردیم و زنده می‌شدیم. تعریف می‌کرد که یکی از هم‌زمانش می‌گفت وقتی من مردم هر چی از من باقی ماند، در کشورم خاک کنی تا روجم از ایران محافظت کند.

**حیدری:** اتفاقاً در یک بخش از فیلم یک دیالوگ داریم که می‌گوید در دل جنگ وقتی همه چیز به هم ریخته بود یک مادری بچه سوخته خودش را گذاشت در آغوش من و گفت بی‌غیرت. و بعد می‌گوید من غیر از جنگیدن چه کاری می‌توانستم بکنم و آن صدایی که در فیلم شنیده می‌شود صدای همان خلبان است.

**در طول تحقیقات خود، آنچه به دست**



روز صفر

دوره سی و هشتم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۹۸ به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده در تهران برگزار شد. این دوره به تدریس گسترده جشنواره توسط برخی هنرمندان و اعتراضات فراوان برخی از آنها به بعضی از مسائل وسیع مربوط به جشنواره

دوره سی و هشتم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۹۸ به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده در تهران برگزار شد. این دوره به تدریس گسترده جشنواره توسط برخی هنرمندان و اعتراضات فراوان برخی از آنها به بعضی از مسائل وسیع مربوط به جشنواره

گاه‌شمار جشنواره

سی و هشتمین دوره بهمن ۱۳۹۸

دوره سی و هشتم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۹۸ به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده در تهران برگزار شد. این دوره به تدریس گسترده جشنواره توسط برخی هنرمندان و اعتراضات فراوان برخی از آنها به بعضی از مسائل وسیع مربوط به جشنواره

دوره سی و هشتم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۹۸ به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده در تهران برگزار شد. این دوره به تدریس گسترده جشنواره توسط برخی هنرمندان و اعتراضات فراوان برخی از آنها به بعضی از مسائل وسیع مربوط به جشنواره